

عنوان مقاله:

مفهوم زمان و کریستال زمان در نظریات ژیل دلوز و تاثیر آن بر روایت در سینمای معاصر ایران

محل انتشار:

کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین علوم انسانی در قرن 21 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

عماد ابوعطاملشی - کارشناسی ارشد سینما، استاد دانشگاه سورهی تهران

مرجان نادرزاده گوارشکی - دانشجوی دکترا فلسفه هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

خلاصه مقاله:

زمان از جمله شهودیتترین و پایه‌های ترین احساسات تجربی بشر است با این حال معنا و مفهوم آن هیچگاه برای ابنای بشر در طول تاریخ به روشنی مشخص نبوده است. این مقاله قصد دارد تا علاوه بر تبیین و تحلیل مبحث زمان و ترکیبات آن به خصوص نظریه کریستال زمان در نظریات ژیل دلوز به تاثیری که این نظریات بر روایت در سینمای - معاصر ایران داشته بپردازد. پژوهش برآن است که سینمای مبتنی بر چند زمانی، از عامل زمان با رویکردی که آرایفلسفی کسانی چون هانری برگسون و ژیل دلوز قابلیت تحلیل جامع آن را دارند بهره میگیرد. در روایت سینمای مبتنی بر چند زمانی یا سینمای خاطرات و پیش‌آگاهیها عواملی چون مبدا روایت، زمان، قابندی و شرایط ذهنیتاهمیت بسیاری مییابند و در برخورد این نوع روایت ذهنی با حافظه و خاطره، عواملی چون زمانپربیشی و انواع رجوع به گذشتههای بیرونی، درونی و مرکب مطرح میشوند. در این پژوهش، پس از توضیح مفهوم زمان و کریستال-زمان نزد ژیل دلوز، تاثیرات و تغییراتی که این نگاه بر سینما و عنصر روایت در آن گذارده است بررسی و در ادامه برخی از آثار سینمای معاصر ایران که ساختار روایی مدرنی مبتنی بر این نظریات دارند، با نیت دستیابی به الگویی واحد برای خوانش این نوع سینما تحلیل میشوند

کلمات کلیدی:

زمان، کریستال زمان، روایت، ژیل دلوز، سینمای معاصر ایران

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/641749>

